

چشمها و گوشها

چشمها و گوشها
چشمها و گوشها
چشمها و گوشها
چشمها و گوشها

خاورمیانه، او افزود که عملیات اخیر اسرائیل در سرزمین‌های اشغال شده صحت این نظریه را ثابت کرد.

امنیتی کردن جهان یا پشت پرده آشکار

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، بوش رییس جمهوری آمریکا سه امر مهم را مطرح و ۸۵ درصد از افکار عمومی مردم آمریکا را جلب نمود: نخست آن که تاکنون امنیت ملی (داخلی) آمریکا این چنین مورد تهدید قرار نگرفته است. دوم این که بین "امنیت ملی" و "دموکراسی"، اولویت با امنیت است و دموکراسی باید قربانی آن شود.

سوم این که امنیت ملی آمریکا مشروط است به امنیت در سایر نقاط جهان. لذا کانون‌های ناامن کننده در هر کجای دنیا را باید از بین برد و در این راستا تصرف و اشغال نظامی کشورها نیز حق دفاعی و انحصاری آمریکا خواهد بود.

منافع ملی و بینش نارسا

برخی از مسؤولین ما از فروپاشی شوروی بسیار خوشحال شدند و این خوشحالی را به طور علنی ابراز داشتند. به دلیل این بینش نارسا بود که منافع ملی ما در خزر به مخاطره افتاد. قراردادهای محکمی با شوروی سابق داشتیم که پنجاه درصد حاکمیت ما را بر خزر تأمین می نمود و پای آمریکا و اسرائیل نیز به خزر باز نشده بود و این چنین مشکلاتی نداشتیم.

کجایند داوران منصف آمریکایی؟!

ویلیام دوگلاس قاضی دیوان عالی آمریکا می گوید: "هنگامی که مصدق در ایران به اصلاحات اساسی دست زد، ما به وحشت افتادیم. این مرد که من بر خود می‌بالم که او را دوست خود بخوانم، مردی دموکرات بود، ما با انگلیسی‌ها همدست شدیم تا او را از میان برداریم، در این کار توفیق یافتیم ولی از آن روز به بعد در خاورمیانه دیگر از ما به نیکنامی یاد نشده است." (نقل از کتاب مصدق، نفت، کودتا - تألیف و ترجمه محمود تفضلی ص ۶۵) واقعا اعتراف دردناکی است کجا هستند داوران منصف آمریکایی که به کشتار پانصد هزار کودک عراقی و جنایات بی حساب در فلسطین و قتل عام غیر نظامیان افغانستان اعتراض کنند؟

هماهنگ کننده عملیات یازده سپتامبر

صاحب نظری می گفت: عملیات یازده سپتامبر در خط صهیونیسم جهانی بوده است. صهیونیسم موفق شد با هماهنگی، جریان‌های زیر را در آمریکا سازماندهی کند:

الف - بی خانمان‌ها و پرتروکایی‌ها

ب - سرخوردگان مدرنیسم

ج - سرخوردگان جنگ ویتنام

صهیونیسم این هماهنگی را انجام داد تا به آمریکا القا کند که تروریسم دشمن اصلی است و از این طریق بتواند کانون‌های مقاومت فلسطین را در هم شکند. افغانستان بهانه و مقدمه‌ای بود برای برخورد با مسایل

آیا وقت آن نرسیده است که این بیش‌ها ریشه‌یابی شده و مورد تجدید نظر قرار گیرد، تا با استمرار آن‌ها، منافع ملی ما بیش از این مورد تهدید قرار نگیرد؟

تا کی فرصت‌ها را از دست بدهیم؟

هم‌زمان با این که مؤسسات کارشناسی مستقل دنیا رسماً اعلام کردند که نزدیکترین، امن‌ترین و ارزان‌ترین راه برای انتقال نفت و گاز خزر به دریای آزاد، ایران است و جناح‌های محارب با هم در افغانستان نیز امنیت عبور خط لوله را از آن کشور تضمین کرده بودند، استیضاح حجت‌الاسلام عبدالله نوری وزیر کشور وقت مطرح گردید و متأسفانه در آن استیضاح نامه، ۲۱ بار واژه ناامنی در ایران و مرزها به کار برده شد. آیا به دلیل اختلاف نظر جناح‌های سیاسی داخلی همچنان باید شاهد از دست رفتن فرصت‌ها و منافع ملی باشیم!

تکرار ضربه‌های سخت‌تر از ضربه سال ۱۳۵۴ به جنبش

اسلامی

۲۷ سال از ضربه ۱۳۵۴ به جنبش اسلامی مجاهدین می‌گذرد. تحولات سریع که منجر به پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ شد باعث گردید که در این زمینه ریشه‌یابی عمیقی در سطح نخبگان و بخصوص عامه مردم صورت نگیرد. برخی در یک تحلیل سطحی و برای آسودگی خیال می‌گفتند، مجاهدین از ابتدا مارکسیست بودند. آن چه مسلم است آن‌ها سرآمد جوانان مسلمان بودند ولی به این جمع بندی رسیدند که دین به طور عام و دین اسلام به طور خاص، علی‌رغم عمق و گستردگی آن در مملکت ما، جنبه فرهنگی و روینایی داشته و جنبه روش‌مندانه، استدلالی و به عبارتی زیربنایی ندارد. این، بدان معنی است که دین روش و استدلال ندارد که بتواند زیربنای تحلیل‌های اجتماعی و اقتصادی باشد.

رژه‌گارودی متفکر مسلمان فرانسوی نیز در مصاحبه‌ای با کیهان فرهنگی گفت: "من مسلمانم و به حضرت محمد(ص) اعتقاد دارم ولی مارکس در قلب من است، چرا که تحلیل‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را از مارکس می‌گیرم".

سزاوار است اندیشمندان به این امر توجه کرده و به فکر ریشه‌یابی و چاره‌اندیشی باشند تا بار دیگر در برابر سایر مکاتب، با تکرار شدید تر ضربه ۵۴ مواجه نشویم.

دو مؤلفه پویا برای وفاق ملی و جهانی

برای راهی از جامعه‌ای مبتنی بر انگ و برجسب و تکفیر و تصفیه، جنگ سرد و ترور، به کتاب بهینه‌ای چون قرآن باید پناه برد که دو مؤلفه محکم برای وفاق ملی و جهانی ارائه می‌دهد که عبارتند از:

الف - همه انسان‌ها حقیقت‌طلب و خداجویند و حتی شیطان هم که دشمن آشکار معرفی شده است خالقیت و عزت خدا را قبول دارد.

ب - تکامل، صبرورث‌الی‌الله و به عبارتی رشد و گسترش جوامع به سمت جامعه بدون امتیاز طبقاتی.

این دو مؤلفه محکم، هم تجدد و پویایی و هم وفاق جوامع را تضمین می‌کند، آن‌هم با کمترین هزینه اجتماعی و بیشترین بازده.

اختلاف بر سر ملی مذهبی‌ها

در اسفندماه سال ۱۳۸۰ در میزگردی در دانشگاه زاهدان، مرکب از آقایان ملکی، علوی‌تبار و محیبیان، بحثی درباره روند عملکرد ملی - مذهبی‌ها مطرح شد. در آن میزگرد امیرمحبیبان پیش‌بینی کرده بود که چون جناح راست ضدامپریالیست است، بنابراین ملی - مذهبی‌ها نیز به دلیل ملی بودن و مذهبی بودن و طبعاً ضدامپریالیسم بودن، به جناح راست خواهند پیوست.

آقای علیرضا علوی‌تبار در جواب گفته بود، ملی - مذهبی‌ها ذاتاً اصلاح‌طلب بوده و طبیعی است روند آینده آن‌ها نیز به سمت پیوند بیشتر با اصلاح‌طلبان باشد.

از کدام ویژگی مصدق تبری می‌جویند؟

در مراسم تشییع پیکر دکتر بدالله سخایی، آن هنگام که جمعی از مشایعت‌کنندگان شعار "محمد مصدق صاحب‌عزاست امروز" را سردادند، یکی از شخصیت‌های متفکر و قابل احترام جریان اصلاحات، به آرامی خود را از داخل جمعیت کنار کشید.

صرف نظر از به جا یا نابه‌جا بودن این شعار در آن مراسم، در آن لحظه این پرسش به ذهن تداعی می‌شد که به راستی از کدام ویژگی مرحوم مصدق باید تبری جست؟ از دین‌مداری و اعتقادات محکم دینی و مذهبی او که دوست و دشمن بر آن معترفند؟ یا از عشق بی‌منت‌های او به استقلال و آزادی ملت ایران که تاکنون هیچ‌کدام از رهبران انقلاب آن را نفی نکرده‌اند و حتی کودتاگران بر علیه او هم از این عشق وافر در حیرتند؟

مقاومت همراه با پشتیبانی مجلس شورای اسلامی

در رابطه با جابه‌جایی مدیران کل در برخی از پست‌های حساس، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌گفت: اشکال این دسته از مدیران این است که ضمن مقاومت در برابر گروه‌های فشار بدون حمایت مجلس کار می‌کنند و بنابراین نمی‌توانند به مقاومتشان ادامه بدهند. اگر آنان گزارشی از اعمال نفوذ جریان‌های غیرقانونی و گروه‌های فشار به کمیسیون‌های مربوطه در مجلس شورای اسلامی ارائه دهند می‌توانند حداقل از برخی اعمال غیرقانونی آنان که مغایر با امنیت شهروندان است، جلوگیری کنند.

بن‌بست در اداره کشور، شکست اصلاحات

صاحب‌نظری در رابطه با اصلاحات و مهمترین موانع آن معتقد بود: مانع اصلاحات عدم مرزبندی مشخص بین مسؤولیت‌های تعریف شده در قانون اساسی است و در نتیجه تداخلی که صورت می‌گیرد اصلاحات را با

مشکل روبه‌رو می‌کند که امکان حل آن در کوتاه‌مدت وجود ندارد. وی می‌گفت: راه برخورد با مشکل فوق تلاش در قالب ظرفیت‌های قانون اساسی است، تا اصلاحات مستمر و با قدرت و سرعت قابل قبولی ادامه یابد و بن‌بستی در امور ایجاد نگردد. زیرا بن‌بست در اداره کشور است که به شکست اصلاحات منجر خواهد شد.

دیدگاه مشترک رسالت و هاشمی رفسنجانی بر سر مذاکره با آمریکا

فردی با دیدگاه نزدیک به نقطه نظرهای روزنامه رسالت عنوان می‌کرد: مذاکره با آمریکا حرام شرعی نیست و امام هم آن را به طور مطلق رد نکرده است. وی خط مشی روزنامه رسالت را در رابطه با آمریکا در راستای نظریه‌های هاشمی رفسنجانی مطرح می‌کرد که اگر آمریکا اثبات صداقت کند بر سر دارایی‌ها مذاکره می‌کنیم. وی می‌گفت امیر محبیبان یادداشت نویس روزنامه رسالت، صرفاً تئوری پرداز است و بعضی اوقات هم همه ما با نظریاتش موافق نیستیم مثل آقای عبدی که برای روزنامه‌های دوم خردادی می‌نویسد، برخی از آن‌ها چاپ می‌شود و بعضاً مورد قبول اصلاح طلبان واقع می‌گردد، اما بسیاری از آن‌ها ممکن است اصلاً چاپ نشود، چه رسد به آن که مورد قبول هم باشد.

بن‌بست اصلاحات ذاتی اصلاحات است

یکی از صاحب‌نظران مسایل سیاسی می‌گفت: مواعی که روند اصلاحات با آن مواجه شده است صرفاً به عوامل بیرونی بازمی‌گردد، بلکه اساساً ناشی از عدم انسجام‌های موجود در بافت فکری اصلاحات است. نخست آن که اصلاحات نیاز به یک زیربنای فکری دارد که در حال حاضر مشخص نیست. فردی مانند آقای خاتمی اندیشه نایینی را مطرح می‌کند، جناحی الگوی سیاسی اجتماعی سوییس و سوئد را ملاک می‌گیرد و طیفی آن را در حد یک نوع تعادل در جناح‌های سیاسی می‌بیند. به همین دلیل مشخص نیست که جهت‌گیری اصلاحات به سمت دیدگاه منفعت‌گرایانه و فردگرایانه لیبرال دموکراسی از نوع جامعه آمریکا است یا این که سوسیال دموکراسی از نوع سوئد را مدنظر دارند و یا این که یک الگوی بومی را دنبال می‌کنند؟

مشکل بزرگ این است که صاحب‌نظران اصلاحات بر سر این گونه مباحث بنیادی به بحث با یکدیگر نمی‌نشینند و تلاشی در جهت تعمیق این گونه بحث‌ها در جامعه نمی‌کنند و هر کس در ذهن خود اندیشه‌ای را دنبال می‌کند و تنها به این موضوع اکتفا کرده‌اند که به صورت یک جناح سیاسی در مقابل رقبا عرض اندام کنند. او می‌گفت تا مبانی اصلاحات شفاف نشود، ما از آفت روزمره‌گی‌رهای نخواهیم یافت.

جمهوریت و اسلامیت

یکی از کسانی که بر روی اندیشه نایینی کار کرده بود می‌گفت: در دعوی بین اصحاب جمهوریت و اصحاب اسلامیت برخی پا در میانی می‌کنند که جمهوریت و اسلامیت را باید در کنار یکدیگر در نظر گرفت، اما رابطه اصولی و زیربنایی این دو مقوله را نمی‌توانند نشان دهند. آن‌ها در نهایت این گونه استدلال می‌کنند که چون مردم اعتقادات اسلامی دارند،

می‌توان گفت که اسلامیت نظام سیاسی تابعی از عقاید جمهور است و اگر این مردم فردا طالب اندیشه دیگری شوند، آن تفکر در کنار جمهوریت قرار خواهد گرفت. در مقابل جریان دیگری می‌گوید مردم چه بخواهند و چه نخواهند، اسلامیت نظام پابرجاست و مقوله اسلامیت و امدار وحی الهی است و ربطی به تمایل مردم ندارد، حال اگر مردم به اسلامیت نظام تمایل نشان دادند، کمال مطلوب است، در غیر این صورت وظیفه حاکم اسلامی است که جامعه را هدایت کند. از آن جایی که این بحث از ابتدا به صورت درستی طرح نشده است، این دعوا راه به جایی نخواهد برد و کماکان اسلامیت و جمهوریت به عنوان دو مقوله جدای از هم مطرح خواهد بود که تنها با چسب مصلحت به یکدیگر متصل خواهند بود. او می‌گفت: این دعوا در حالی است که مرحوم نایینی در کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله که به تعبیر آقای خاتمی اولین منشور جامعه مدنی در ایران است، ضرورت جمهوریت به معنای توجه کردن به قانون اساسی و اصل شورا را از اندیشه توحیدی خود استنتاج می‌کند. به این صورت که چون تنها زینده خداوند است که فعال مایشاء باشد و هر آن‌چه را که بخواهد عمل کند و همچنین (بفعل عما یستل) عمل کند بدون آن که پاسخگو باشد، اگر انسان یا انسان‌هایی بخواهند اراده خود را بر جامعه تحمیل کنند و آرای مردم را نادیده بگیرند، برای خداوند شریک قایل شده‌اند و با این تعبیر مرحوم نایینی استبداد را معادل کفر نسبت به خداوند می‌گیرد. بنابراین اصل شورا بزرگ جامعه اسلامی به شمار نمی‌رود، بلکه ضرورتی است که اگر نادیده گرفته شود، باید در اسلامیت نظام سیاسی شک کرد.

